

عنوان مقاله:

مفصل بندی وجه روایی زبان نوشتاری در گفتمان چندوجهی نقاشی معاصر ایران

محل انتشار:

پژوهشنامه گرافیک نقاشی، دوره 6، شماره 10 (سال: 1402)

تعداد صفحات اصل مقاله: 0

نویسنده:

اعظم حکیم - استادیار گروه آموزش هنر، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

در بخشی از هنر معاصر با هنری روایتگر روبه رو می شویم که روش های گوناگونی را در روایت پردازی به نمایش می گذارد. یکی از این روش ها کاربرد زبان نوشتاری در بافت هنر معاصر یعنی خلق و نمایش آثار هنری در قالب های گوناگون است. هدف از مقاله پیش رو پاسخ به این پرسش است که نقش و کارکرد عنصر روایی وجه زبانی در مفصل بندی گفتمان چندوجهی زبانی/تصویری هنر معاصر از جمله نقاشی معاصر ایران چیست؟ و این مفصل بندی چگونه انجام می شود؟ با توجه به گسترش کاربرد زبان نوشتاری در هنر معاصر به نظر می رسد که این وجه از زبان به عنصری اساسی در خلق و نمایش در نسبت نزدیک با تصویر تبدیل شده است. نظریه گفتمان لاکلاو و موف با ارائه مفاهیمی به منزله ابزار تحلیل برای دست یابی به این هدف کارگشا خواهد بود. جامعه آماری این پژوهش، هنر معاصر ایران و نمایش های انفرادی نقاشی برگزار شده در گالری طراحان آزاد است که نمونه های آن را نیز شکل می دهند. یافته های به دست آمده نشان دهنده آن است که در هنر معاصر ایران وجه زبان به یکی از ابعاد و گره گاه های اصلی در مفصل بندی گفتمانی نقاشی معاصر تبدیل شده است. به این معنا که دو وجه زبان و تصویر با همکاری یک دیگر در قالب یک فرم بیانی تازه در فرآیند معناسازی و معنایابی و به بیان دیگر روایت پردازی قرار می گیرند.

کلمات کلیدی:

کلیدواژه ها: زبان نوشتاری، گفتمان چندوجهی، لاکلاو و موف، هنر معاصر ایران، نقاشی معاصر ایران

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1786890>

